



ایوزیسیون بورژوایی در هراس از جنبش انقلابی کردستان

(نگاهی به طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان)

عبدالله مهتدی

**اپوزیسیون بورژوازی در هراس از
جنبش انقلابی کردستان**

www.iran-archive.com

مقدمه :

مقاله حاضر توسط رفیق عداله مهندی دبیرکل حزب کمونیست ایران نوشته شده است و حاوی نقد ستم و ظلم ثروتمندی محاهدین خلق و شورای ملی مقاومت در قبال مسأله ملی و جنبش انقلابی در کردستان است.

رفیق عداله یکی از رهبران شناخته شده کارگران و زحمتکشان کردستان و جنبش انقلابی خلق کرد است و سالها بعنوان عضو کمیته مرکزی و دبیرکل کومه له مستقیماً در شکل دادن به سیاست انقلابی طبقه کارگر در کردستان و هدایت جنبش انقلابی خلق کرد نقش داشته و بار و بار داده های سیاسی آن از نزدیک و مستقیماً درگسترش داده است.

این مقاله سرمسای دیدگاههای

حزب کمونیست ایران در مورد مسأله ملی و جنبش انقلابی در کردستان، ادعای همه کارگران و زحمتکشان و خلق محبت بنم کرد را سرغله شوونیسم آشکار طرح شورای ملی مقاومت برای خود - محضاری کردستان طرح کرده است.

این نوشته پیش از این در یک سلسله برنامه های رادیویی در روزهای ۱۲ تا ۱۷ آذرماه ۶۲ از بخشهای فارسی و کردی صدای انقلاب ایران پخش گردیده است. مطالعه دقیق این مقاله را به همه کارگران و زحمتکشان و فعالین و هواداران حزب کمونیست ایران توصیه میکنیم.

هبات تحریریه "کمونیست"

اپوزیسیون بورژوازی در هراس از جنبش انقلابی کردستان (نگاهی به طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان)

روز هفدهم آبانماه امسال "طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان" تصویب شد و همراه با پیام آقای مسعود رجوی با اطلاع همگان رسید. گویی آبانماه، ماه خسرو و سرکرت برای خلق کرد است! ۲۶ آبانماه سال ۵۸ یمنی درست چهار سال پیش سر خمینی "پیام تاریخی" مشهور خود را "در جهت احقاق حقوق این مردم مظلومان و مستضعفان" صادر کرده بود. با اینوصف تاریخ عینا تکرار میشود: در آن موقع خمینی پس از یک یورش و جنگ سه ماهه بدینال اعلام جهادش علیه کردستان که سرعفت منجر به تلفات سنگین و عقب نشینی های مکرر قوای دولتی و پیروزیهای نکی پس از دیگری پیشمرگان شده بود، نارأفت اسلامی خود را پس "مردم مستضعف" را آورد و پیام

طرح خود را اعلام داشت. اکنون پس از گذشت چهار سال و تحت شرایط و احوالی متفاوت اس نارمشترکین جمهوری اسلامی پس یعنی آقبای یعنی صدر - "رئیس جمهور" - شورای ملی مقاومت که مدتی هم در جمهوری اسلامی خمینی رئیس جمهور و فرما شده کل قوا و ما مورگوشمالی گمانی بود که در کردستان از فرمان امام سرپیچی کنند - و آقای رجوی - که در آن موقع از جمهوری اسلامی خمینی دفاع میکرد و از مدافعان "اخرای کامل پیام تاریخی امام خمینی" بشمار میرفت و هنوز جمهوری اسلامی دنگری بدون خمینی را هدف خود قرار داده بود - که می بیند هر زورندگمانی توده های خلق کرد دست به آنها نمی شرمی شود درنجه عطفونستان را بر روی خلق کرد

گشوده اند و اسباب را طرح مشخصی را هم به خلق کرده عرضه کرده اند. فعلاً اگر جها رسال پیش حزب توده و توده ای های درون حزب دمکرات زیر عنوان خاصی و معانیات این حزب مسئولیت سه راه انداختن رقص و پای بکوسی فضا احتیاج دارد کردستان بصاحبیت این پیام تاریخی و نبوغدستش " را داشتند، این با رشود حزب دمکرات کردستان رسماً و از طریق ارگانهای تبلیغاتی پیش ما صورت تا دو مسرورستان دادن خلق کرد را امپده گرفته است.

بررسی " طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران"، تحلیل سبب و دستگا ههای حاکم برای طرح و نتایج و عواقب آن نه فقط برای همه صفوف حزب کمونیست و سوسیالیزه سازمان کردستان این حزب یحیی کومه له، بلکه برای هر کارگر آگاه که به مسائل کردستان مانند یکی از مسائل مهم انقلاب و دمکراسی در ایران میگردد و هر مبارز کرد که به سرنوشت و پیسروزی جنبش انقلابی خلق کرد علاقمند است و برای آن تلاش میکند ضروری است.

ما در اینجا پیش از آنکه وارد نقد محتوای سندهای طرح ۱۲ مساعدهای شورای ملی مقاومت شویم و اثبات کنیم که اسباب طرح جز طرح ناسود کردن جنبش

انقلابی و باسما ل کردن و بیس گرمس دستا وردهای انقلابی بوده همدار کردستان که فریبکا را سه در ظاهر دوستی با خلق کرد آراسته شده چیز دیگری نیست، لازم میدا سم قملای پیمان آقاسی معود رجوی را که در واقع حاوی جوهر سمش و دیدگاه حاکم بر طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت است بررسی کنیم.

براستی هر چه قدر بیشتر این طرح و پیام رجوی را مطالعه میکنم و در آن به تعمق میپردازم، بهتر سرابتان روشن میشود که دیدگاه ما نظر بر آن چقدر شونیستی و ضد دمکراتیک است و تا چه حد با وجود اینکه سعی شده سبب واقعی سنی مدروما همدس نسبت به خلق کرد و مردمکراسی در لفافه معطری از کلمات و عبارات "عادلانه، صلح طلبانه و دمکراتیک" پجایده شود، با رهم سوی گندارتجاعی و سرکوبگرانه آن مقام را می آزارد، برای اینکه خواننده گمان نکند این صحبتها از سر "پیش داوری" نسبت به شورای ملی مقاومت است و ما تصمیم داشته ایم این طرح را هر چه باشد تخطئه کنیم، از وی میخواهیم اولاً، طرح شورای ملی مقاومت و پیام رجوی را باز هم و با رهم بخواند و ناسا، در استدلالاتی که ما میکنم بدقت تعمق کند.

رجوی در پیمان میسگوید: "اس طرح
را رئیس جمهورینی صدروا حـزب ،
ما ز ما بها ،گروهها و شخصتهای عضو
شورای ملی مقابله و متعاقب آراء
تصویب کرده اند ، به اس ترتیب
شورای ملی مقابله و متعاقب آنها
حاشی دمکراتیک و قدرتمند برای رژیم
سرکوبگر و خون آشام خمینی بار دیگر در
مسیر آزادی و استقلال مبین و دفاع از
تمامت ارضی ایران و حاکمیت و وحدت
ملی تمام می اس مرور سوم راه حلـسی
عادلانه ، صلح آسرو دمکراتیک برای
یکی از مسائل بفرح سنایی و تاریخی
کشورمان جستجو کرده است . منظور
مساله کردستان ایران و ملیت بنمزده
کرد در میهن ما است که طی سالهای
متعددی تحت ستم مضاعف رژیمهای
مختلف سرسره و ناگزیر ارمقا و مت
سار ره بوده اس . مساله ای که رژیمهای
سرکوبگر سلطنتی و خمینی علیسرغم
اعمال قهر و حثیانه نه تنها هرگز قادر
به حل آن نمودند بلکه آنرا بطور دائم
پیچیده تر بسز میگردند ، کما اینکه
قدرتها و آبادی استعماری نیز ضمن
یکصد و پنجاه سال گذشته پیوسته سر آن
بوده اند تا با سوز استفاد ه ارنسوعات

در طول میس سا کدها ارماس .

قومی و ملی ایران و مسائل مربوط
به حقوق ملیتها از حکومتها میسب
ارضی و وحدت ملی کل کشور را سه زیر
علامت سوال بکشند و از سوی دیگر با
سرچسب با روای "تجزیه طلبی" زمینه ها
و وسائل سرکوب هر چه بیشتر ائتدارک
دیده و مانع بشمر رسیدن مبارزات و
درخواستهای عادلانه مردمی همچون
مردم کردستان شوند ، بخصوص که لایحه
ماندن اینگونه مسائل و تداوم بحرانها ،
درگیریها و خوسریبهای ناشی از آنها ،
چه در گذشته و چه در آینده ، هر در خدمت
استمرار و تحکیم سلطه استبداد و وابستگی
و جز سر ضد آرمای آزاده ها نسه و
استقلال طلبانه تمامی خلق ایران
نسوده و نخواهد بود .

(تا کیده ارماس است .)

بنظر ما نقل همیس اندازه از پیام
رجوی که در واقع مقدمه ای برای تشریح
سیاست حاکم بر طرح خود مختاری شورای
ملی مقابله و متعاقب است ، کافی است تا آنچه
را که گفتیم اثبات نماید ، هر چند که ما
نمودها و بیروزیات این بینش و دیدگاه
را بعدا بطور مشخص و بکرات در خود طرح
نشان خواهیم داد ، اما فعلا آنچه را از
پیام رجوی بر میآید بطور مختصر مورد

صحت قرار میدهیم.

بنابه اعتراف صریح رجوی در این
بیمه منطقه حرکت شورای ملی مقاومت
و موضع کلیدی آنها در سرحد شمال
کردستان "دفاع ارتما صبا ارضی ایران
و حاکمیت و وحدت ملی تمامی اس مرر
و سوم" است. در تمام بیمه و در طول طرح
و بطور کلی در تمام ادسیات ماهدیس و
شورای ملی مقاومت، "تمامت ارضی
خدا شاه پذیر" همواره ماسدیک
ترجیح بدتکرار میشود و در واقع به
مثابه شمشیر داموگلی سر سر همساله
مربوط به کردستان و وطن کرد آویزان
است. خالت است که بویژه در ماههای
احمر هر جا که ماهدیس و شورای ملی
مقاومت یکبار را رساله کردستان
و خود مختاری صحت کرده اند. ده بار
دهاستان را با "دفاع ارتما صبا
ارضی" آب کشیده اند و به اس وسیله به
ارتش، سورزوازی و امپریالیستها
اطمینان خاطر داده اند. در مقدمه طرح
فلسفی خود مختاری که پیشنها در زمان
ماهدیس بود و مدت کمی قبل از طرح
کسوفی استشاریافت، رجوی اعلام داشته
بود که: "در میان تنوده های مردم
کردستان هیچ گرایش یا تمایل تخریب
طلبانه حدی و موثری وجود ندارد و سر
اساس تحقیقات، سرخوردها و شواهد

بسیار در میان اس مردم دلبر و رحمتکش
و غیره، هیچ تمایلی به حدایی ارمیهی
و خود ندارد." و به اس ترتیب به
سورزوازی و امپریالیسم اطمینان داده
بود که بدترش خود محساری برای کردستان
ار حاکمیت ماهدیس طلق بهیچوجه لطمه ای
به اصول خدا شاه یا بدر مورد بشر آسان
و اردنی آورد. البته تعحسی ندارد که
ماهدیس و شورای ملی مقاومت هر روز
بر اطهار وفاداری خود سر "تمامت
ارضی و وحدت و حاکمیت ملی خدا
شاه یا بدتر ایران" می امر اند. بطور کلی
مدتی است که اسان نادهت و حاسبت
نظام میخواهند از هر لحاظ گوی سفت را
از رقیمان سلطنت طلب برسانند و
آنها را از نظر سورزوازی و امپریالیستها
سندارند و سایر اسان در عین حطاب
شدیدی که به دستجات سلطنت طلب
می کنند، از لحاظ مضمون هر چه بیشتر
به آنها نزدیک میشوند. محساهدیس و
شورای ملی مقاومت سعی می کنند از
پس آنها برآیند، چیزی از آنها کم
نداشته باشد، از هواداران "میان رو"
آنها دلبرایی کنند، و خلاصه کاری کنند
که در مقابل استغدادات آنها نقطه
ضعفی نداشته باشد. البته ماهدیس
و شورای ملی مقاومت را از این که اس
سیاست باعث میشود هر روز نقطه صفهای

سنجری در مقابل استقادات کمونیستها، کارگران و سروهای انقلابی بنیادا کمبود نکافتن با آنها هر روز عصبانتر نمودن یکی نسبت به دیگری و رجوعی با "طرامب حاصی" اس بکنه رادریطر گرفته است که در ابتدای بیامی که سه مناسب انتشار طرح شورای ملی مقاومت میدهد، بجای "تنام خلقی قهرمان ایران" همشگی، اسن سار برای خوشامدحاج سیاسی مذکور "سام ایران" را کنار سرد!

ناری، ناانوصف عصب است که شورای ملی مقاومت ادعا میکند که سر خلاف رژیمهای شاه و خمینی میخواهد صاله کردستان را سحر "عادلاسه" صلح آمیز و دمکراتیک" جل کند. در حالیکه رژیمهای سلطنتی و اسلامی هم در سار همنس موضع شوو بیستی "دفاع ارسامب ارمی" در سر خورد به مسئله کردستان حرکت کرده است. معلوم نیست به چه دلیل رجوع ارسول شورای ملی مقاومت ادعای اینس را میکند که چیز متفاوتی اراسا عرضه میدارد. اتفاقا نقطه حرکت شاه، خمینی، شاهپوریستیا روا مثالهم بیسز همس سوده وهب، اصولا نقطه حرکت برای شروع سم ملی و آن موضعی که سمگری ملی ارا آن سانی می شود

چیزی حرامی نیست. و در مقام حرکت از این موضع است که اتهام تحریک ملی بوسیله ای برای توجیه سرکوب و کشتار و تها و زود خالی ارض سر ملیسه مردم تعدیل میشود.

اما اگر برای حل مساله ملی در ایران و بطور مشخص مساله کرد، حرکت از موضع "دفاع از تمام ارضی" حرکت از موضع شوو بیستی ملت غالب محسوب میشود، بیس ما چه موضعی را برای حل "عادلاسه" صلح آمیز و دمکراتیک" صاله کردستان پیشنهاد میکنیم؟ ما ارجسد سال پیش در مساب های مختلف و از زوایای مختلف اس موضع را سیمان کرده ایم و اکنون سکا ر دیگر محصرانه آن اشاره میکنیم.

دو موضع طمقانی

در سر خوردنه صاله ملی

کمی که خواهد در ایران راجع به صاله کردستان موضعگیری عادلاسه کند، باید بدوا کارش را مشاهده و در نظر گرفتن این واقعیت آغاز کند که ایران یک کشور جدید ملتی و با کثرت - الملته است. مردم ایران، ساکمان ایران یک ملت واحد - بمعنای علمی و سیاسی و به عامانه اس کلمه - را شکل میدهد بلکه محصوره ای ار

ملیهای گوناگون هستند. اس حلقهای
در یک کشور واحد نام ایران حساب
مشتربک دارند و ماسبات اقتصادی و
اجتماعی و فرهنگی و سیاسی متنوعی
بین خود سرفرا کرده اند. ایس سبک
واقعیت است که در صورت نادمه گرفتن
آن حتی یک گام هم سرف حل نساله
ملی کردستان نمیتوان سرف داشت. و
اس واقعیت را - همان طور که بعد اینه تروشن
خواهید - معاهدین و شورای ملی
مقاومت نمی پذیرند و سبای مختلف
از اعتراف به آن و تعدیق آن سرفار
سزینند. چرا؟ دلیل آن روشن است.
سرف پذیرفتن موجودیت ملل مختلف
در ایران و سرف شخص سرف سب شایس
کرده ایمتانه سب ملت راه را سرفای
پذیرفتن حقوقی که سرف طریعی سرفای
اس مرترب میشود و سرف سبکند. پس همان
سرف که اصل قضه اسکا رشود!

علاوه واقعیت دیگر ایسب که
ملل مختلف در کشور ایران در حال
سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
حلقهای ایران سرف سرف اصول دیگر ایسب
تنظیم شده است. ماسبات و حساب
مشتربک حلقهای ایران در اس کشور
به فقط سرف سرفای پیوندهای اقتصادی
و اجتماعی بلکه هم سرف سرف سرفای
سرف سرف ملی، سرف سرف ملت حق آن

در سرف سرف آزاده سرف اسب
سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
سرف سرف و سرف سرف سرف سرف
است. اس سرف ملی، خود سرف سرف
سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
ایران است. کسی که سرف سرف سرف
کردستان سرف سرف سرف سرف سرف
ایس واقعیت راه سرف سرف سرف
و سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
"ساله ملی" در کردستان سرف سرف
اس ندارد. لدا سرف سرف سرف
کردستان را سرف سرف سرف سرف سرف
سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
کسب آن سرف سرف سرف سرف سرف
سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
در کردستان و اداه و سرف سرف سرف
سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
در سرف سرف اسب که معاهدین و شورای
ملی مقاومت سرف سرف سرف سرف سرف
دارند و در سرف سرف سرف سرف سرف
در راه را سرف سرف سرف سرف سرف
سرف سرف از "سرف سرف سرف سرف سرف
ارادمان به اسب که کردهای سرف سرف
را سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
ملی سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف
و سرف سرف سرف سرف سرف سرف سرف

مصرا خودداری مسورود، روشن است
کسی که اس واقعیت را انکار می کند
در واقع ستم ملی را برده پیوستی و استوار
نمکند تا گذارد آماج حمله فرار
نگردد و نتواند آن سداوم بخشد،
ایکار رو برده پیوستی این واقعیت
نمیواند معنی دیگری بحر علاقه به
حفظ آن داشته باشد، هیچکس نمیتواند
مدعی حل مساله ملی در کردستان
باشد بدون اینکه اس واقعیت را
بی عرضه و صافه مناهده و تصدیق
کند و آنگاه آسبها را برای حل آن
بالا برد.

و اما اس ناره استدای ورود به حل
مساله کردستان است، سؤال اس است
که موضع اصولی، انقلابی و عادلانه است
به اس مساله چگونه است؟ کسی شک
ظلمات مختلف هر کدام را را به مناسبت
ممن خود به اس مساله سرخورد کرده
و برای آن "راه حل" ارائه نمدهست،
حرکت از موضع "دفاع از مسامب ارضی"
در سرخورد به مساله ملی و بطور مشخص
مساله کردستان، معنای حراکار رحی
ملل، خراب شده گرفتن و باس مال کردن
آرادی ملتها در انتحاط سرسوتنتشان
سدادد، اس موضع با گرسره معنای
به سید کشیدن ملل تحت ستم و ساحت
موقعیت تحت ستم آنها و ساسرا اس

احتفاده از حس و رور و سرکوب برای
حفظ و تحمیل اس موقعیت با سراسر
است، شورای ملی مقاومت با کمال
انتها را علام میکند نقطه شروع برای
رسدگی به مساله کردستان، دفاع از
نظام مبارزی ایران است، در حالیکه
اس نقطه شروع مشترک همه کمانیست که
در ایران خواهان حفظ و دوام ستمگری
ملی هستند، تمام حشمت های ملی
دقیقا تحت همس شعار و سام است که
خواهان بحزبه هستند، سرکوب شده اند و
مستوبد، این موضع، موضع سوز و آری
ملت غالب و ساسر مافع توسعه
طلبانه وی در امر تسلط سرمایه و سر
سارارهای کار و کالا در میان ملت تحت
ستم میباشد، محاهدس و شورای ملی
مقاومت به فقط بر ساسا ترحیم سب "دفاع
از مسامب ارضی" را انکار می کنند
بلکه "حفظ حاکمیت و وحدت ملی ایران"
را سوز و دربان ساخته اند، در حالیکه
این دومی فقط بیان دیگری برای اس
نظر است که: ایران یک کشور کثرت المله
بیبست، مجموعه ای از خلقها است بلکه
فقط یک ملت یعنی ملت ایران و یک
خلق یعنی خلق ایران است، و همانطور
که قبلا گفتیم ایکار و خود خلقهای ایران،
ایکار و خود ملل مختلف ساکن ایران،
سراغارا ایکار ساسر و حقوقی است که

بر سه رسمیت شناختن و اعتراف بوجود آنها مترتب میگردد. و رجوعی بنا به میان کشدن "وحدت ملی" حدشه ناپذیر ایران در حقیقت هیچ کاری بخرانگار چند ملتیتی بودن ایران نمیکند و گریه می نایب نمای آن ار اتحاد دا و طلبانه و آزادانه ملل ساکس ایران" صحبت و بیگمنانی کند. تنها در این صورت "وحدت" استمگرا سه و مستثنی بر احاطه و زور و سزنیزه نبوده و نه همین دلیل بنا بر محکم مردم نتواند باشد. تنها کسیکه از یک جنس "وحدتی" که نتیجه و محصول قبول آزادی و اختیار زندگی برای ملتها - ست دفاع میکند، میخواند بخود نام یک دمکرات واقعی بدهد. و گریه همه سلطنت طلبان، همه پان ایرانیستها، همه تیمارها و آیت الله ها سیز درست ار همین "وحدت و حاکمیت ملی حدشه ناپذیر" دفاع میکنند و از هم بیس موقع رهسپار بایمال کردن حقوق ملتتها میشوند.

موضع ما در این مورد چیست؟ موضع حزب کمونیست ایران یعنی موضع کارگران انقلابی و آگاه هستت سه ساله ملی نظور کلی که در مورد ساله کردستان هم مدون میکند کما سلا روشن است: بر رسمیت شناختن حق کامل و

بی قید و شرط ملل ساکس ایران در تعمیم بر روش خویش. این ملتها موضعی است که سه رشته ای ترس و دمکراتیک ترس و سه ممکن ساله ملی را حل میکند، ستم ملی و تبعیضات و بنا بر سبای ملی را ریشه کن میسازد و سه اس ترسب سه همزیستی ملل مختلف بطور واقعی مدان میدهد. هیچکس نمی تواند یک دمکرات واقعی باشد دون اینکه اس حق را سه تمام معنی بر رسمیت نشناسد. برادر عباس آن نمی توان مساوات بس طلبتها را بر اس دمکراتیک سازمان داد. نمی توان از آزادی و مساوات آزادانه بین خلقهای گوناگون صحبتی سه میان آورد و در اس صورت کار بناچار به اعمال زور و دیکتاتوری میکشد.

علت دفاع ما از این سیاست سیر روشن است: ما با سونا لبست هستیم. ما استرنا سونا لبست هستیم. نقطه حرکت ما در سر خوردنه ساله ملی از میان بردن شکافها و جدائیهای بین کارگران ملل مختلف و تحکیم وحدت و یکپارچگی بین المللی کارگران ستمنا سه شرط رشد و پیروزی ماست. ستم ملی، ولودر کوچکترس مقیاس آن، در بین کارگران ملنهای ستمگرو تحت ستم شکاف و جداسی می اسازد و آنها را سه جدالها و

خصوصیتهایی می‌کنند که در واقع متعلق به کارگران نیست بلکه ارسنوی سوززواری به آنها محمل شده است و ممکن به آنها فقط سدهای اقتصاد کارگران و رحمتکشان ملل مختلف توسط سوززواری های "خودشان" را محکمتر می‌کند و از مسازره مشترک و متحد بر علیه کل سوززواری بار می‌دارد. حرکت از موضع "دفاع ارتعاش ارضی" که در واقع معنی استمرار تمگری بر ملل ضعیف است، نتیجه ای خرابی اتحاد شکاف، بفرقه، بدبینی و حتی خصومت میان کارگران ندارد و سیاسی است که فقط به سوززواری خدمت می‌کند. ما خواهان برسیب شناختن حق ملت‌ها در تعیین سروششتان بهرحوی که نخواهد هستیم، این سیاست خدائیهای ملی را اربمان میبرد، زمینه را برای اتحاد داوطلبانه و آرادانه ملل ساکن ایران آماده می‌سازد و همبستگی و برادری کارگران ملت‌های گوناگون را تأمین می‌کند. به اتکای همین سیاست برسیب شناختن حق ملل است که حزب کمونیست شعار دیگر خود یعنی اتحاد آزادانه و داوطلبانه ملل ساکن ایران را بیان می‌کند و زمینه را برای همبستگی کارگران و رحمتکشان ملت‌های گوناگون فراهم می‌سازد. بار دودن سن

ملی، مسازره طبقاتی بس کارگران و سرمایه داران در درون هر یک از ملت‌ها، بحثانه اعلی ترین مساله جامعه، بدور از هرگونه ثوابت و پیرایه های غیر طبقاتی به روش تریس وجه خود را نمودار می‌سازد و راه سرای مسازره در راه رهایی قطعی نوده های زحمتکش و استتار نشوده هموار می‌شود.

تا اینجا موضع مباحثین و شورای ملی مقابله را در مورد مسالی ملی، تا آنجا که همه های عمومی و کلی این مساله مربوط می‌شد، ملاحظه کردیم و دیدیم که آنها کمترین المله بودن ایران را انکار نمی‌کنند، و خود ستم ملی و مساله ملی را برده پوشی می‌سازند. حق ملل را در انتخاب سروشوش خویش برسیب نمی شناسد و تنها چیزی که به خلقهای تحت ستم و بطور مشخص به خلق کرد و عده می‌دهد "دفاع ارتعاش ارضی و حاکمیت و وحدت ملی ایران" یعنی درست همان تحفه ای است که نساء و خمینی یعنی رژیمهای مطننی و اعلامی هم قبلا به مردم عرضه کرده اند و گفتیم که تنها موضع دمکراتیک بنگر در رقاب این مساله عبارت است از: حق ملل در تعیین سروشوش خویش و اقتصاد آزادانه و داوطلبانه ملل ساکن ایران، یعنی شعارهایی که در سر راه حسرت

کمیسیون ایران سرشنسی و صرافت مطرح
نده و سالهاست که راههای کومه له در
سرحد و شمال کردستان بوده است. حال
دیدگاههای محاهدین و شورای ملی
مقاومت را در مورد یک ساله منحصن سر
یعنی جنبش ملی کردستان، ماهیت
تا رنجه و کارکرد آن بررسی کنیم.

رجوی جنبش ملی کردستان رابه
"قدرتها و ایادی استعماری"
نسبت میدهد!

رجوی درجای دیگری از پیام خود
میگوید: "قدرتها و ایادی استعماری
سیرطی یکم دوینجاه سال گذشته پیوسته
بر آن بوده اند تا با سوء استفاده از
تنوعات قومی و ملی و مسائل مربوط
به حقوق ملیتها از یک موتمنا میت ارضی
و وحدت ملی کل کشور را به زیر علامت
سوال بکشند و از سوی دیگر با سرچشم
ساروای "تجزیه طلبی" زمینه ها و وسائل
سرکوت هرچه بیشتر را تدارک دیده و مانع
به نمرسدن مبارزات و درخواستهای
عادلانه مردمی همچون مردم کردستان
شوند."

اینها دیگر محاهدین و شورای ملی
مقاومت نباید شوونیم، عرصوری و
فرسکاری خود را نشان میدهد و درست

همان انهایی را - البته در مقابل
"دوستی" و "محمواری" - به جنبشهای
من ظلمت به خلق کرد میزنند که سالهای
سال است سرکوبگران طلقها جنبشهای
خلق کرد را به آن متهم میکنند و آنهم
است که اس جنبش ما آلت دست استعمار
و قدرتهاست استعماری بوده، متوسط
آنها را نگخته شده و سنا فتح آبادت
کرده اند. اما واقعتا از هر لحاظ درست
برخلاف آن چیزی است که آقای رجوی
ادعا میکند، زیرا چنانچه خواهیم ساله
را بطور کلی و از لحاظ اصولی مورد
بررسی و قضاوت قرار دهیم، باید غلط
و سرشت جنبش ملی - دمکراتیک خلق
کرد را سنا به جنبش رها نینخش یک ملت
تحت ستم مورد تا کید قرار دهیم، ایس
جنبش، جنبشی است که بر علیه ستم و سبه
غایر کسب آزادی برپا میشود و صرف نظر
از اینکه امیر یا لیستها چه مطامعی
دارند و یا ب فکر چگونه بهره برداریها
هستند ما دلانه و قابل پشتیبانی است.
جنبش خلق کرد موجودیت و غطت خود را
مذیون "قدرتها و ایادی استعماری"
نیست، بلکه دارای زمینه ها و ریشه -
های تاریخی و سیاسی بوده و اهداف
عینی و ذاتی خود را دارد، کسی که
سرخواهد در طرف ستمگر قرار گیرد،
بأساس واقعات را ادعا نکند.

رحوی که حاصلست حبلت اس حیثش
واهداف صمی آرا بر صمت نشاند ،
چاره ای ندارد که آرا به "قدرت‌نسا
و آبادی استعماری" منتسب کند ، او
حاصلست حتی یک کلمه در شان اینکه
حیثش خلق کردیک حیثش آرا در حیثش ،
سرحی و قابل پشتیبانی است بر ریان
آورد ، اما اولی چیزی که سه نظرش
میرسد است که سه حواسده هشدار
دهد که "استعمار" از این حیثش و بنا
بفعل او "مسائل مرسوط سه حقوق
ملک‌ها" بهره برداری میکند تا با
وسله حقیقت آرا تحطنه کند ، معمای
صمی حرفهای آقای رحوی اس هم
هست که چون این حیثش ملعه دست
"قدرت‌ها و آبادی استعماری" است تا
بر این سرکوب خلق کرد از حسانست
حکومت‌های مرکزی چنداں هم‌سندون
حقانیت نبوده است ، او با اس
موضعگیری خود را در کنار سرکوبگران
شناخته شده خلق کرد قرار میدهد ، اما
از این جنبه کلی و عمومی هم که بگذریم ،
واقعیت مشخص تاریخی در مورد حیثش -
های خلق کرد سلطان آنها با رحوی را
نشان میدهد ، (البته شرطی که او
خواهد حکم‌های ایران و روس را هم با
ساله مورد بحث ، خلوط کرده و همه را
بیک فلم کار رهندهای استعماری

حوادث) در عالم واقعیت ، اس
حیثش خلق کرد نبوده است که سوسله
امپریالیستها و آبادی آنها یعنی
حکومت‌های مرکزی و استعماری
امپریالیسم سرکوب شده است و اس
امپریالیسم بوده که همواره ارضای
سنگری ملی دفاع میکرده و اس
سنگری ملی حزبی از دیکتاتور
عربان بورژوا امپریالیستی در ایران
محبوب میشود ، در حال حاضر سه طور
مشخص هم اس امپریالیستها هستند که
بخط عنوان دفاع از تمامیت ارضی
ایران خواهان سرکوب خلق کرد
هستند ، آنها مرحوی فقط می‌توانند
جمافی برای تحطنه و کوسدن حیثش
خلق کرد باشد و علم کردن آن نشانه
"دوراندیشی" و "آینده‌نگری" آقای
رحوی و شورای ملی مقاومت است ، مگر
به اینست که صمی همواره کردها را
به اتهام اسکه و استعماری آمریکا و
عوامل بعث هستند می‌گوید ؟ اتهام
و اینست که نه فقط در مورد حیثش خلق کرد
بلکه در مورد هر حیثش انقلابی ، معملا
جمافی در دست ارتجاع برای نفی
جنبه‌های حق طلبانه این حیثش ها و
کس مستمک برای سرکوب بوده است ،
رحوی سردرگمال "در است" همس
شوه را بکار میگرد و هشدارهای کسوی اس

روحوی و حشمن اسفلاسی کسوسی خلق کرد

روحوی هگا مکه ار ازبایی راحع به حشمنهای ملی کردستان و تطهیل تاریخی آنها سر حشمن کسوسی خلق کرد می آید، هر چه بیشتر مرچ خود را به مثابه "دوست ریاکار" خلق کرد، سار میکند و حشمت واقعی خود را با آن نشان میدهد. او ظاهراً در هیات خیراندیشی وارد میشود و می گوید: "...لا سحیل مابین اینگونه مسائل [مطور مساله کردستان است] و تداوم بحرانها، درگیریها و خونریزیهای ناشی از آنها، چه در گذشته و چه در آینده، حرد در حشمت استمرار و تحکیم سلطه استبداد و وابستگی و جزر و خرد آرماسهای آزادبخواهاست و استقلال طلبانه تمامی خلق ایران سوده و خواهد بود. پس از چهار سال حشمن انقلابی و جنگ انقلابی در کردستان تازه آقای روحوی آرا "بحران و درگیری و خونریزیهای ناشی از آن" مینامد و بدتر از آن ادعا میکند که "این مسائل" چه در گذشته و چه در آینده حربه دفع استبداد و وابستگی سوده و خواهد بود. روحوی میگوید تا آنکه بر ما رفاطی کلساب "بحران"، "درگیری" و "خونریزی" گریبان خود را از موضعگیری سیاسی

در اسبوردیها طراست که خودوی سر در موقع لزوم سواستداری جمان علیه حشمن خلق کرد اسفاده کند. الحق که روحوی دارد کسوسی "درس حکومت کردن" را از "رسمان" فرا میگیرد!

و اما "حالت" سرار و اسبهنان دادن حشمن خلق کرده امپریالیستها و استعمار، حشمن دوم تحت روحوی است، آنجا که می گوید با پادی استعمار از طریق دیگر سعی می کردند "مرچب سار وای تحربه طلبی" به این حشمن سر بندوبه این ترتیب "وسائل و زمینه های سرکوب هر چه بیشتر" را فراهم کنند. گوی اگر این "انجام" محب داشت، دیگر سرکوب کاملاً مشروعیت پیدا میکرد! کاملاً روشن است که روحوی سرکوب و کشتار را شرطی که کردها واقعا خواهان تحربه ساختن محازمیداد و معتقد است که در چشمن صورتی "زمینه" پیدا میکند! اینجا صحبت بر سر خواست مشخص جدایی نیست، بلکه صحبت بر سر این است که این دیدگاه همواره یک دیدگاه مدد مکرانیک و سرکوبگر است اس که در مقابل هر حشمن حق طلبانه خلق کرد "زمینه" سرکوب "میتراشد". اس نبوه محصول حسری دیدگاه فسوی است.

در سال آن خلاص کند. اما موضعگیری کردن روی جنگها بدون تشخیص جنگهای عادلانه از غیر عادلانه و بدون تشخیص سیاست با طرز جنگ ممکن نیست. جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان جنگی است علیه آزادی یک طاق سبب سم، علیه آزادی و دمکراسی در تمام ایران، جنگی است در جهت تحکیم دیکتاتوروری سوزن و امپریالیستی و سمطور تعمیم قواسی و نظامات کهنه و ارضاعی و سیاسی جنگی است ارضاعی که مانند شدت با آن مبارزه کرد، مانند عواضا و خروج کامل وی قد و شرط نوای انفعالگرار کردستان شده، مانند بیفیع بیامدن به جنبه های جنگ کردستان تسلیم کرد، مانند همه جا علیه آن افشاگری کرد و بظنیرایشها، اما جنگ مردم کردستان و پیشمرگان آن علیه جمهوری اسلامی جنگی است عادلانه که با بداز آن پشتیبانی بعمل آورد، باید نتیجه این جنگ انقلابی و بیخاطر پیروزی آن مبارزه کرد و بیطور همه حاسه از آن دفاع نمود، اینها دو وجه مهم پیوسته یک سیاست واحد انقلابی هستند و نمی توانند از یکدیگر تفکیک شوند، در مورد جنگ کردستان نمیتوان حاسه را نبود، نمیتوان حواسا را عدم داوم درگیری را هر دو حاسه شد، در

ایضا فقط یک موضعگیری انقلابی وجود دارد: دفاع از جنبش انقلابی طلق کرد و دفاع از جنگ انقلابی مردم کردستان و مبارزه برای سه پیروزی رساندن آن، رهوی با اطلاق کلمات "بحران" و "درگیری" در واقع میخواهد از موضعگیری کردن روی عادلانه و غیر عادلانه، انقلابی و ضد انقلابی بودن این امر خودداری کند، رهوی و رهبری سیاسی در ایران که نخواهد وارد ماهیت مساله کردستان شود و صرفا خواهد گرفتار مساله ظاهر الاطلاق از وجود "درگیری" اسرار تا ف کند، در واقع عادلانه بودن جنبش طلق کرد و لزوم پیروزی آن را برده بیوشی میکند، جنگ را از هر دو سو هم ترا قلمداد میکند و آب به آسباب ارتجاع میریزد، اتفاقا طلق کرد با اینگونه موضعگیری - های سیاسی خاص که ظاهر صلح طلبانه داشته ولی در واقع سمعای انکار و نفی جنبش انقلابی طلق کرد و حق است آن است آشنایی دارد: حزب توده هم به همین کیفیت ظاهرا بدون موضعگیری سیاسی خواستار "قطع درگیری" و "خلو-گیری از خو سبزی" شود و "تداوم درگیری" را "بیفیع امپریالیسم" قلمداد میکند و از همین موضع رهسار صدمت کامل سا جنبش خلق کرد گردند، در روشن فروهر هم در دوره آتش بس حد ما هه که طی آن

جمهوری اطلاعاتی برای کسب وقت و جمع-
آوری نیرو و تدارک تنها هم گسسته خود
به کردستان، او و چهره های لیسرال و
مزور امثال او را برای فریب دادن و
سرگرم کردن مردم و مشورت کردن ادهان
آنها و کسب وقت برای سازمان دادن
تنها عم و سیمتربه طوی صحنه سیاسی
کردستان فرستاده بودند امثال اس
اصطلاحات و تعبیرات را در توصیف حش
خلق کردیکار میدید، روحی عامدانه
کلماتی نظیر "حرا"، "درگیری" و
"خونریزی" را در توصیف حش انقلابی
خلق کردیکار میدید که قابل پشتیبانی
نماند، روحی سرخلاف یک انقلابی
بسروری اس حش و پشتیبانی از آن
را هدف قرار میدهد، بلکه با موضوع -
گیریهایش کاملاً روش میازد که در
برده دل سوزاندن برای خاتمه "حرا"
و درگیری" میخواستند انقلاب را در کردستان
ارسی سرد.

روح اساسی موضعگیری روحی آنها
خود را میباید آنکه می گوید: "مظور
ساله کردستان ایران و ملت ستمزده
کرد در میهن ما است که طی سالان متعادی
تحت ستم ظاعف رژیمهای مختلف سر-
برده و با گریز از مقاومت و مبارزه بوده
است. ساله ای که رژیمهای سرکوبگر
اطلسی و حش غلبر عمال قهر

و حشها به آنها هرگز قادر به حل آن
سودید بلکه آنها را بطور دائم، پیچیده و
سرسنگردند، آری، اس روح ستم-
زجوی و شرای ملی مقاومت از رژیمهای شاه و حش
در رابطه با ساله کردستان است. بعد
روحی به رژیمهای گذشته است که
"غلبر عمال قهر و حشها به" نتوانستند
ساله کردستان را "حل" کنند بلکه با
سیاستهایی که در پیش گرفتند مردم را
"با گریز از مقاومت و مبارزه" کردند،
بعضی موجب سرور انقلاب در کردستان
شدند، اسقلاسی که حالا آقای رجوی و
سسی صدرو شورای ملی مقاومت سوی آن
گم کرده اند، او ما سند لیسرال الهای
ترسان و متنفر از انقلاب، انتقادش از
ارتجاع اینست که باسی کفایتی خود
موجب سرور از انقلاب شده است، اما آنچه
او "پیچیده تر" شدن سیاست و سیاستش
عرا گرفته، در حقیقت رشد و استحکام و
زادیکالیزه شدن حش انقلابی خلق
کرد و افزایش مداوم نقش و توانی
پزولنا را در آن است، ما گفته ایم
که با این دیدگاه، منظور روحی و شورای
ملی مقاومت از "حل" ساله کردستان
تنها تضعیف انقلاب میباید باشد.
بعلاوه روحی میگوید اس "حرا"ها
و در گریه "جه در گذشته وجه در آمده
فقط سمع اسناد و وابستگی بوده و

خواهد بود. اما واقف درست خلاف این را هم گواهی میدهد. کافی است تکثیر نعصاب ثوروستنی و مدد مکرراتیک طوی چشمهاش را گرفته باشد تا این واقف را متاثره کند که چنین کردستان در چند سال گذشته به فقط سنج استعداد تمام شده بلکه خودسگر مقابله و مبد در برابر استعداد و ارنجاع بوده و همینکه امروز کردستان انقلابی نه فقط در برابر آنها حمايت و حشانه جمهوری اسلامی استنادگی میکند بلکه مقابل ضربات سیاسی و نظامی به آن وارد میکند گواهی این حقیقت است. رجوی اینجاست که "زیرکانه" مناسبات را محط و محدودش میکند: آری، تپا حرم جمهوری اسلامی یکردستان سنج استعداد - نه فقط در کردستان بلکه در سراسر ایران - بوده و هی و این راهرگی منوادمفهد اما مقابله و جنگ انقلابی و عادلانه رحمنکنان کردستان علیه جمهوری اسلامی، در جهت دفاع از دموکراسی در ایران و به زیان استعداد دودیکتاتوری امپریالیستی عمل کرده است، این راهزهرگی میتواند سیند، رجوی عامدانه با قاطی کردن هردوی آنها نصب عاوس سی خاصه - بحران، درگیری و جوهری - در واقع حطبت ارنحای حیک رژیم جمهوری اسلامی

علیه مردم کردستان را سه دومی بمبسی به حک انقلابی خلق کرده علیه جمهوری اسلامی هم تصمیم میدهد و سبها هدو اسمود کند که این با اصطلاح "درگیری" صرف نظر ارما هیب و موضوع آن، صرف نظر از طرفهای آن و سیاستهای آنها، بطور کلی - و آنهم نه فقط در گذشته و حال حاضر بلکه در آینده هم - در خدمت استعداد است، با این اوصاف آیا غیر معافه است اگر گوئیم معاهدت و شورای ملی مقاومت در لباس دوست در حقیقت برای خودریالت حقه کردن، عقیم ساختن و حاموش کردن عملهای انقلاب در کرد- ستان را قاتل هستند؟ آیا عسر سطقی است اگر معاهدت و شورای ملی تفاوت را دوستان رباکار و دروغس طلق کرد بما سم و بگوئیم که در رند از حالا خود را سرای گوید آنها در آینده آماده میکند؟ و بالاخره آیا این موضعگیری معاهدت و شورای ملی مقاومت در مقابل حبش انقلابی خلق کرد و جنگ انقلابی زمینکنان کردستان میتواند با حریان رزمه اغراض سدوست و خود شیرینی کردن سرای امیرالمنهاکه معاهدت و شورای ملی مقاومت هر روز سیند: ستره سخلاب آن می غلطند می ار ساط باشد؟ در اینجا بحث سر سربسارم رجوی

پیرامون طرح خودمختاری شورای ملی
مقاومت را تمام می‌کنیم و بطور متمرکز
به بررسی خود اس طرح می‌پردازیم.



طرح شورای ملی مقاومت برای
خودمختاری کردستان بر اساس همان
دیدگاهی ندویس و تنظیم شده که هم
اکسون خطوط کلی آن را در پیام آقای
مسعودرئوی میبایست انتشار آن
طرح نشان دادیم. آنچه که در پیام مرحوی
در مورد بنی حنی ملل و سکه سر "وحدت"
احماری، محفظه حسیش ملی - دمکراتیک
کردستان بطور کلی و حسیش انقلابی
ملحاحه خلق کرد در حال حاضر و نا اهره
در مورد پیمانال کردن دنضا وردهای
انقلابی - دمکراتیک تسوده هسا در
کردستان بصورت کلیات و عبارات مبهم
و دوپهلوی با احتیاط و بشیوه لیبرالی
مطرح شده بود. در این طرح دیگر شکل
مواد حقوقی مشخصی در آمده و تعارفات
سیمایه های خود را به مواد خشک و لازم -
الاجرا داده است.

ما قبل از اینکه وارد بررسی مواد
مشخص این طرح شویم، توجه خواسته را
به اس نکته جلب می‌کنیم که مساله
خودمختاری بطور کلی از لحاظ موضوع
خود مسوا بدنا مل دو حبه یا دو صفت

باشد: همه‌ای که با طر سر رف سم ملی
است و در آن ارفعوی و اختیارانی که
حکومت مرکزی باید برای حکومت
خود مختار سرمایه بشنا صدیعت صم شود و
همه دیگر که مناسب است با امصادی.

اجتماعی و سیاسی در درون کردستان
خود مختار، شیوه‌های اداره امور و
حاکمیت، حقوق ساکنان کردستان و به
طور کلی مضمون و محتوای خودمختاری
را در بر میگیرد. در تریا مه کومه له برای
خودمختاری کردستان که بر ما به حاصع
پرولتاریای کردستان برای رفع ستم
ملی و همچنین برای برقراری دمکراسی
انقلابی در کردستان خود مختار است،
این قسمتها بروشی ویژه تکمیل
گنجانده شده است. بخش اول موضوع
مورد بحث با حکومت مرکزی
و مطالبات وی از اس حکومت را تشکیل
میدهد و بخش دوم موضوع مبارزه پرولتاریا
و توده‌های رحمنکش کردستان با
سورژواری و با لایح سورژواری کردستان
است (و بشرطی که بخش اول واقعا به
رسمیت نشاخته شده و اجرا شود. محتوای
عملی بخش دوم به اراده توده‌های خلق
کرد و تناسب معین نیروهای طبقاتی
در کردستان مر سبط می‌گردد). طرح
شورای ملی مقاومت مخلوطی از هر دو
حبه است و آنجا که به حنی ملل راسته

رضیت منشا بدو به اراده سوده های
رحمتکن را، لذا از هر دو لحاظ مصدق
دمکراتیک است . معنی اس طرح هم
 به معرفت احسان را با کسودستان
 خود مختار - و در واقع بی اختیاری
 آن - برداخته و در اینجا علمه تمام
خلق کرد و ابردمندان شده و هم این "حق"
 را برای خود قائل شده که در مورد "سروش"
داخلی کردستان و شیوه زندگی سوده های
 مردم کردستان تصمیم گیرد و در این
 مورد سوزده دستیاران و رده های رحمتکنان
 را با اعمال کند. مثلا در اس طرح از یک
 طرف حق فاسوگراری از ارگان عالی
 کردستان خود مختار است - و با تقریبا
 سلب - شده و ارتش به فعال مایه در
 کردستان ارتقاء پیدا کرده است و از
 طرف دیگر به این هم پیوسته شده و شیوه
 پارلمانی بحای نظام شورایی در
 کردستان تجویر و در واقع تحمل شده
 است . عبارت دیگر این طرح دمکراسی
را به فقط در شکل حق ملل بلکه همچنین
در شکل عمومی آن معنی حق توده های سیر
 صراحت نفس کرده است .
 برای اینکه بتوان یک طرح خود -
 مختاری دمکراتیک برای رفع ستم ملی
 ارائه کرد ، باید پایه های ستمی حتمی
 خلق کرد و اهداف عمومی اس حتمی را
 بر حسب شایع ، گفتم که موجود است

عمی ملت کردستانه یک ملت ستم
 ستم و وجود ستمگری ملی یا به معنی
 حتمی خلق کرد است و ساس را بی حتمی
 انقلابی کسوی خلق کرد . حتمی است
 ملی - دمکراتیک ، حتمی است رهایی
 سخت که ساسا ترکست حق تعیین سروشت
 یعنی برای بدست آوردن حق حاکمیت
 توده های مردم کردستان بر سروشت
 خودشان برپا شده و ادامه دار و خود -
 مختاری شکل مشخصی است که خلق کرد
برای اعمال این حق در جا رجوب کشور
ایران می طلبد .
 ساس را بی ضرورت خود مختاری .
 از ضرورت حق تعیین سروشت ،
 از ضرورت حاکمیت مردم کردستان ناشی
 میشود ، وجود حتمی انقلابی خلق کرد
 خودگواهی برای حتمی است . زیرا
 مساله اساسی هرا انقلاب قدرت حاکمه
 است و در کردستان یک انقلاب خیران
دارد . مساله اساسی اس انقلاب ستم
 نمیتواند چیز دیگری بحز قدرت حاکمه
 یا حاکمیت نماند ، منتها با ویژگی های
 همیش خود . (ویژگی آن است کشته در
 آن دو مبارزه بر سر حاکمیت - و به یک
 مبارزه - وجود دارد یعنی در دل حتمی
 انقلابی خلق کرد ، مبارزه طیفاسمی
 پیرو ساسا و سوزواری کرد ستم خورسان
 دارد .) حتمی انقلابی خلق کرد - که

تا حدیک حدک افغانی سوده ای هم
نگامیل پیدا کرده است. سررهمیسی
مساله است و این درت همان جیسری
است که در طرح شورای ملی مقاومت
غایب سوده و عمداً مکتوب گذارده شده
است.

واما مضمون اخصاً عسی ایس
خودمختاری چگونه خواهد بود؟ هما بطور
که ذیلاً خواهیم دید شورای ملی مقاومت
بفردا اجازه میدهد که این موضوع را هم
به اراده و حق توده های مردم کردستان
واگذار نکند، بلکه خود در مورد آن تصمیم
بگیرد.

ماده دوم طرح شورای ملی مقاومت
می گوید: "ارگان قانویگری در امور
داخلی منطقه خودمختار، شورای عالی
کردستان است." اما بدسال آن بلافاصله
گفته میشود: "قوانین عمومی جمهوری
در منطقه خودمختار لازم الاجرا است و
مصوبات شورای عالی خودمختار نباید
باقص قوانین جمهوری باشد." به این
ترتیب بدون هیچ ابهامی قوانین
مرکزی جمهوری دمکراتیک اسلامی
لازم الاجرا شناخته شده و در مقابل،
قانویگری شورای عالی کردستان
محدود و مشروط به عدم تقاص با قوانین
جمهوری دمکراتیک اسلامی شده است.
معلوم نیست دیگر معیار "بعارف"

واما چه احصا را سی برای کردستان
خودمختار باقی مینماید؟ غی الضل
آیا اگر توده های مردم کردستان خواهان
اداره کردن امور خود و سازمان دادن
حاکمیت بشوهر شورایی بعضی حاکمیت
منقسم باشند و به شوهر یا رلیاسی،
سایتند و میتوانند این خواست خود
حالا عمل ببوشند و حتی آسرا صورت
قانون زندگی اجتماعی و سیاسی خود
در آورند؟ و حال آنکه این امر با
"قوانین عمومی" جمهوری دمکراتیک
اسلامی متناقض است. آیا اگر توده
های مردم کردستان بخواهند در زیر
سایتیک حکومت مدهی زندگی کنند و
خواستار آن باشند که در کردستان خود
مختار رسماً جدایی دولت از مذهب اعلام
گردد، بخاطر آنکه این مساله با "قوانین
عمومی" جمهوری دمکراتیک اسلامی
در تقاضاست. باید از این خواست
روا و دمکراتیک چشم ببوشند؟ آیا چنانچه
کارگران کردستان بخواهند آزادی
اعتماد و ۴۰ ساعت کار در هفته را که
در سراسر شورای ملی مقاومت وجود
بدارد، در کردستان به قانون تبدیل
کنند، باید از این حق خود محروم شوند؟
آیا چنانچه رهنمکنان روستاهای
کردستان خواهان معادله افغانی اراضی
سایتند و بخواهند که توسط قانون حمایت

شود، با عدم مظهر عدم سافص حواستان
 بالظاف نمی مدری در مرکز ما بسد؟
 آیا چنانچه جمهوری دمکراتیک اسلامی
 در قدرت بشکرم محدود کردن
 آزادی فعالیت های سیاسی سفید و
 خواهان فعالیتها را مدس کند،
 مردم کردستان هم مانند اس حفصان
 کردن بگدا رندوار غیر آزادیهای سیاسی
 بگذرد؟ آیا اگر مردم کردستان حواستار
 موعومت تعدد رو حات با تندوسا اگر
 خواهان در و اج مدسی را بطور فاسوسی
 سرسب بناسند، با عدم مطاس فواسن
 جمهوری دمکراتیک اسلامی ارایس حی
 محروم گردند؟ و دهاها آا و چرای دیگر،
 همانطور که ملاحظه میشود در این ماده
 به عقظ: حق فاسو بگزاری ارگان خود -
 مختاری مردم کردستان بشدت محدود و
 تقریباً انکار شده و عبارت دیگر دمکراسی
ارزابه حی تعیین سر و شوب و رفع ستم
ملی زیر پا گذاشته شده است، بلکه علاوه
بر این، با توجه به مقابله مسا هیست و

فواسن جمهوری دمکراتیک اسلامی
 با دستا وردهای اسفلاسی - دمکراتیک
 زحمتکشان کردستان، اس ماده ارتباط
محوای اجتماعي و طبقاتي اس
دمکراسی سر کردستان را فرسگها
 بعبف میکند، دسا وردهای دمکراتیک
 با کوسی آرا اریس مسرد، امکان
 سعمی و ارتقای اس دستا وردهای
سودکا رگران و زحمتکشان را لب میکند
 و فواسن ارتجاعی را بر آن تحمل
 مساید، ارا سجا بکه بهمی اسمناح
 میشود که سر سراسر طرح شورای ملی
 مقاومت سایه افکنده است: تمام
 جهت گیری طرح شورای ملی مقاومت
 برای خود محاری کردستان عبارت از
 پانغال کردن دستا وردهای انقلاب
 نوده ها در کردستان و پس گرفتن آنها و
 اعاده اوضاع پیش از انقلاب خلق کرد
 است. هر چه پیشتر سر و ستم اس واقعست
 آشکا رتر خود را مینما ساند. ■

■ ضمناً این اوصاف تعحی نیست اگر در طرح خود مختاری شورای ملی
 مقاومت بجای حکومت خود مختار کردستان (یعنی اصطلاحی که معمولاً در
 طرحهای خود مختاری کردستان سکا ر میزود) "شورای عالی کردستان"
 سکا ر رفته باشد، شورای ملی مقاومت از هر چیزی که سوسی ارجا کسب
 مردم کردستان - ولودرا اشکال سان حقوفی آن - بدهد، سخت گریزان و
 مسفر است و با چک و دبدان سخوا هنده فقط کلنه دسا وردها بلکه حتی
 ادباسی را که در اس رسمه موجود است یعنی کند و اریشها دور سارد!

ماده های چهار، پنج و سه طرح شورای ملی مفاومت که پسران موسی اساسی ترین مسائل مربوط به حسن تمسک سرسخت و خودمختاری، و بطور کلی دموکراسی و انقلاب دور میزند، به عیان این موضع ضد دموکراتیک شورای ملی مقاربت را به نمایش میگذارد.

در ماده چهارم گفته میشود:

"حفظ انتظامات داخلی منطقه خودمختار به عهده ارگاسهای خودمختار است که نیروی متناسب با آن امر را با مراعات ماده ۲ طرح حاضر با زمان میدهد."

و ماده سیم آنرا تکمیل کرده و میگوید:
"نظام قضایی جمهوری واحد است و در منطقه خودمختار، دادگاهها طبق قوانین جمهوری و همچنین قوانین مصوب شورای عالی کردستان به دعای رسیدگی خواهند نمود. سیروهای انتظامی کردستان خودمختار، همانند نیروهای انتظامی دیگر نقاط کشور ضابط دادگستری بوده و ملزم به اجرای احکام و دستورها و قرائهای محاکم و مقامات قضایی میباشد."

موسی واقعی این مواد چیست؟ جوهر و اساس این مواد عبارتست از نفی وانکار و تلاش برای باریک کردن

دستاوردهای که مردم کردستان نسبت به پنج سال مبارزه سرخساز و خوشی و با تحمل هزاران قربانی به دست آورده اند. اکنون بطور مشخص به مهم ترین نکات این مواد بپردازیم:

یکی از مهمترین نکات این است

اصطلاح طرح خودمختاری به رسمیت

شناختن مردم مسلح در کردستان و به

رسمیت شناختن نیروی بیشتر که به

مشارکتی از این مردم مسلح است و

اما این خودمختاری به رسمیت شناختن

انقلاب و حمله انقلابی مسلحانه طبق

کرد و کوشش برای باریک کردن

دستاوردهای آن - که قبلاً در بررسی

پیام روحی نشان دادیم - می تواند

مهمی دیگری داشته باشد؟ زیرا بر حتم -

ترین واقعیت کردستان اینست که در

آن یک انقلاب مسلحانه جریان دارد که

تحقق اهداف سیاسی معینی را هدف

خود قرار داده است. در این انقلاب

مسلحانه، ما سدها انقلاب مسلحانه

دیگر، توده های مردم اسلحه بر گرفته و

از آزادی و آزادیها نشان مسلحانه

دفاع میکند. اسلحه ای که با یادگانها

و یاسگانهای رژیم سلطنتی و در هنگام

قیام توده ها و با در جریان جنگ مقاربت

عادلانه خود سر علیه سوار و سورش رژیم

جمهوری اسلامی به کف آورده اند. در این

انقلاب ملحانه مردم سرروی ملی نه
 وجود آورده اند که بنا بر ویژگی های
 مارراسی کردستان نام پیشمرگ
 نامیده میشود. اولین معنای سرسب
شاخص حشمن خلقی کرد و اهداف آن در
حال حاضر و بطور متحصص بر حسب شاخص
حشمن ملحانه آن، مردم صلح و سرروی
صلح آس مردم یعنی سرروی پیشمرگ
است. و اس همان چیزی است که
 شورای ملی مقاومت شدت را آن طفره
 سرود و در کمال خوب آبرای سال
 میکند و به این وسیله فصل مشترک
 شوونیستی و سرکوبگرانه خود را با
 رژیمهای سلطنتی و اسلامی سلبش
 میکند. شورای ملی مقاومت ملاحظ
 فرم بکنند سرروی مردم صلح و
 پیشمرگان کردستان در واقع خواستار
 خلق سلاح آنهاست. شورای ملی
 مقاومت هم اکنون برای خلق سلاح
 توده ها و سرروی پیشمرگ بکفه میچمد و
 میخواهد در پیونش لیبرالی " اعطای
 اعتبارات " همان اهدافی را که پیش
 از چهار سال است حمیمی نتوانسته
 زور متحقق کند. در قالب " دوستی و
 خیر خواهی " حاشه عمل میوشاند. اما
 مردم کردستان بحوسی نداندکنی که
 حق آنها را برای صلح شدن به منظور
 دفاع از آزادی و حاکمیت خود سرسب

بشناسد. در حقیقت هیچ چیز را برای آنها
 سرسب نشناخته است و هرگز زسر مار
 این توپله که خرشکبه و نحقیق را سار
 نمری برای آنها ندارد و خواهد رفت ،
 آفاسان شورای ملی مقاومت میخواهد
 ابتدا اس حق را از مردم کردستان طلب
 کرده و آنها را صلح صلاح کسند (المنته
 در حال حاضر روی کاغذ چون فعلا همس
 قدر رورتان سرمد) و سپس امتیازات
 سی ارزش به آنها بر حسب سما بند اولی
 مگر حمیمی هم می گفت : " اول محاصره ،
 بعد مذاکره " ؟ شورای ملی مقاومت
 مانند هر جریان سورژوانی اولیس
 چیزی که در سر خود به یک انقلاب وسه
 توده های انقلابی صلح بضرش میرسد
 است که با ناطحه را اردن آنها
 گرفت !

ما بدار محاهدس و شورای ملی
 مقاومت برسید : چطور است که شما حتی
یک بار واژه پیشمرگ را در طرحتان بکار
برده اید؟ آخر شما که " محاهد " استان
 را در کردستان - که آپه به به خاطر
 پشتیبانی از خلق کرد و شرکت در جنگ
 انقلابی آنها ، بلکه اما با خاطر صرف
 خارجی " و تولید اسانه برای هواداران
 به اسخا آورده اند - تا کمال افشار
 پیشمرگ سما مید ، چطور است که دز
 طرحتان آسرا کلی فراموش کرده اند ؟

شما که محصورید بجا طر و جودست های سر و صدای فغانی در کردستان، "حفظ طاقت کرده و معدود محاهدسی را که به کردستان آورده اند، پیشمرگ نامند و هر روز و هر شب هم به اس موضوع افتخار میکنند بلکه به اس و سلبه نتوانید راهی در دل خلق کرد پیدا کنید، شما که حتی در پیام مسئولتان به مأموران استخبارت همین طرح ارسه هم آمیختن خون "پیشمرگان حزب دمکرات کردستان و پیشمرگان محاهد" مجبب می کنید، بطور اس که اس ساله را در حرح طرح - که دیگر حای نعارف نسبت و حرح بر میدارد - پساک ار یاد برده اید؟ آنا جز ای اس که گفته شما پاک کردن پیشمرگ - و عتسی سبب پیشمرگ - یعنی پیشروان صلح مردم کردستان اس؟ نقشه شما زین سردد حمتن انقلابی خلق کرد اس؟ ارنیس سردد انقلاب، دستا وردها و انازاهای آن اس؟ نند سبب طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان سر صحت اس استنضاح گواهی میدهد. و اما سوالی که سلفا طله پسار جوابدن ماده دوم طرح منطقا به میان می آند اس که: پس خود مختاری را چه کسی و چه بیرونی نصمن می کند؟ حای اس در طرح شورای ملی مقاومت

کا مالا حالی اس! مطاس ماده دوم طرح شورای ملی مقاومت، "شورای عالی کردستان" فقط "بیرونی برای استقامت داخلی" سازمان میدهد. ولی اس و طبعه ای اس که در همه نقاط و شهرهای ایران در دوره "عدل سنی مدر" با سایا احام میدهد. پس چه کسی آزادی مردم کردستان و خود مختاری آنها، چه بیرونی دمکراسی و حقوق مردم را نصمن خواهد کرد؟ لاند مدافعان طرح شورای ملی مقاومت خواهد گفت: همان "ارگانهای حفظ تمامب ارضی و وحدت و حاکمیت ملی ایران"، همان ارگانهایی که در "نقشه نقاط ایران" هم عمل میکند، ارسیل ارضن جمهوری دمکراسیک اسلامی! نوحی بدی نسبت! با ساداری ارگوش را به گره با بد سبرد! اما تمام دعوای حق بعین سرنوشت و خود مختاری سراسر است که اسطور با نند و اس وقت آقا با ن ادعا میکنند که مساله را "حل" کرده اند. السته روشن اس برای شورای ملی مقاومت که نه در پی حفظ مساسی خود مختاری، نه در پی بر سمیت شما عتس حق ملت کرد در نصمن و استخاب سرنگی و سرنوشت خود و نه در پی حفظ دمکراسی در کردستان بلکه در سبب عتس در پی بار پس گرفتن آن دسا وردها و تسمرات و اسرارهای انقلاب اس که حتی هم اکنون

مردم کردستان دارند. طبیعی است که
حای سروبی که اسن آزادی و خود-
مختاری را برای مردم کردستان نصیب
کند، بفرمان سروسى نماند که اینها
را سمع "سما سارمى و وحدت و
حاکمیت ملی عدنه باید بر اسرا" بار
پس نگردد. و شورای ملی مقاومت در
اس مورد کمالا دمسى و حساب شده کار
مکنند. اگر حای مردم صلح و سسروى
بشترگ حالی است، ولی در موص حای
ارتش در کردستان و اختارات فعال
مانشائی آن کمالا محفوظ است و حتی
در میان مواد اس طرح "خود مختاری"
سجور سده ای هم بر حسته شده است.
سخت را بپرامون ماده چهارم داده
میدهیم. دومس بکسه است که
"سیروبی" که ساه طرح شورای ملی
مقاومت توسط "شورای عالی کردستان"
"برای انتظامات داخلی" سازمان
داده میشود، ناسد "مناسبت" ناستد و
"سامراعات ماده ۲ طرح حاضر" سازمان
داده شود. اما معنی اینها چیست؟ اس
است که: اولاً، سروسى که سسرای
انتظامات داخلی کردستان در نظر گرفته
میشود، ناسد حسیا محدود ناستد در حای
که سواد مانع و راندنى در سراسر
ارتش و سروسهای حکومت مرکزی اتحاد
کند. سواد و طایف خود را در فعال دفاع

ارحق نمیس سروسن و آزادی مردم
کردستان بعهده نگردد. شورای ملی
مقاومت ارحالا دارد اس را ساطق کرد
طی مسکند و ارحالا دارد سفته دست-
انداری و مداخله نمیلی برای منلانی
کردن و سسروى کردن سروس بشترگ
به سها به اسکه سسرا حد "سما سارمى"
است و "مناسبت سمب" رامى کند.
اینجا بکار رد نگردد سگاه کمالا مممم
غیر اتفای شورای ملی مقاومت برای
حفه کردن انقلاب در کردستان، با سمال
کردن دسا و ردهای آن و سلب هرا مکان
و هراسراری برای دفاع از آن بکبار
دیگر خود را نشان مدهد. ناسا، لزوم
انتظامات سازمان دادن سروسى انتظامات
داخلی با ماده ۲ طرح حاضر - بعضى
همان ماده ای که طی آن فواس مرکزى
لارم الا حرا سنا حه شده و فواس مردم
کردستان برای اداره! مورشان در
سراسر س رنگ مى نارد - هم معیاسى
سحرا س ن دارد که اس سروسى سرمسا
انتظاماتى، نه فقط ناسد محدود و
"مناسبت" ناستد بلکه ناسد سواس سس
جمهورى دمکراسیک اسلامى راهمه آخر
در آورد و حافظ آن ناستد. آنا دیگر هیچ
خوش ناورم موهقى هس که در سس سس
سما س طرح شورای ملی مقاومت سزدنى
سراسر ساقى مانده ناستد؟

خواهند بود. دادگسری هم اساساً بواسطه
حکومت مرکزی را اجرا خواهد کرد!

پس اس همه عبارته و مبنای تحمل
کردن محاصره اقتصادی و مسافران و
شکسته، اسبمه خون و روح سرای چه بود؟
در حکومت‌های گذشته هم سروهای انتظامی
سابقاً دادگسری و مخری قواست
مرکزی بودند. راستی چه تفکراتی
سب طرح "خودمختاری" شورای ملی
مقاومت با طرح خودگردانی دارسوش
مروهر و حرت بوده وجود دارد؟ حرام
آن که برای غرب مردم و خاک باشند
به چشم مردم اسباب شده است؟

ماده پنجم را احسان دولت مرکزی
و ارتش در کردستان سخن مگویند و نشان
مدهند که حقیقتاً سلب طلبان
سواستند در اسبوردگوی سفت را
ار "سهاالبریا نبود مگر اسب ممکن"
بریا سب! در اس ماده آمده است که:
"امور مربوط به سبب خارجی و
روابط خارجی، امنیت سراسری جمهوری
و دفاع ملی (شامل حراست ارمورها،
حفظ تمام سبب ارضی و وحدت جمهوری) در
صلاحیت دولت مرکزی است. ارتش در
مسطقه خود مختار کردستان بر سبب
دیگر سبب اسرا حق دخالت در امور
انتظامی داخلی را ندارد."

سادر کنار هم قرار دادن مواد چهارم
و پنجم کاملاً منحصراً منبذ که از سبب طرح
نورای ملی مقاومت، عمالین سبب
"احسان را" ارگاسهای خود مختار
کردستان، عبارت از سبب را سبب دادن
انتظامات داخلی کردستان سبب
قوانین حکومت اسلامی "سبب" و سبب
منظور اجرای قوانین مرکزی است.
توجه کنید: ماده پنجم طرح شورای ملی
مقاومت مگویند: "سروهای انتظامی
کردستان خود مختار همان سبب سروهای
انتظامی دیگر سبب کسور سبب
دادگسری بوده و سبب سبب احکام
و دستورها و قرارهای سبب و سبب
قضائی است." کدام سبب و سبب
قضائی؟ سبب ماده پنجم "سبب قضائی
جمهوری واحد است" و "سبب
قوانین جمهوری و قوانین مصوب شورای
عالی کردستان به دعای رسیدگی
میکند". این راه می‌داند که:
"قوانین مرکزی لازم الاحتراس"
و "قوانین مصوب شورای عالی کردستان
سبب آن متناقص باشد". سبب برای
نصام "خودمختاری" اعطایی شورای ملی
مقاومت و تمام هدیه این "طرح تاریخی"
سرای ملی کردستان خلاصه می شود:
در کردستان یا سببهای کردستان تا مور
انتظامات داخلی و سبب دادگسری

مادرانمادی مقاله‌های ساله
 اشاره کردیم که بر مبنای منطقه دفاع از
 تمامیت ارضی در رابطه با مسأله ملی
 کردستان، ارجحاً اصولی معنای
 دیگری محسوب و یا اعمال کردن حق
 ملت کرد در اسباب آزادی از طریق
 رنگین بردار و ارجحاً عملی معنای
 کسب مستقیم و جماعتی برای سرکوب
هر حرکتی حق طلبانه خلق کرد است.
 این را دیگر هر کسی در چند سال گذشته
 به چشم خود دیده است. «ترتیبی»
 کومه‌له برای خود مختاری کردستان،
 «امور مربوط به سیاست خارجی، دفاع
 در سراسر خاک و زحاری و سرسازمانه
 و اساسهای متمرکز اقتصادی سراسری
 و سیستم پولی کشور در اختیار دولت
 مرکزی میباشد». اچا شورای ملی
 مقاومت «حفظ تمامیت ارضی و وحدت
 جمهوری» را از جزو «دفاع ملی» در
فصل مسأله کردستان محسوب کرده و
 آن را در طرح «خود مختاری» خود مستطور
 کرده و به امضای حزب دمکرات هم
 رسانده است! به این ترتیب که اصلاً
 روشن است که در اسباب منظور از «دفاع
 ملی» به دفاع در سراسر خاک و زحاری
 بلکه لشکرکشی به کردستان و در حال
 ارضی بر علیه خلق کرد است.
 بکسی‌ای که علاوه بر این در ماده پنجم

بخشم مسجود، وارد کردن عبارت
 «اممیت سراسری جمهوری» است. هر
 طبق این ماده دولت مرکزی از طریق
 ارتش و سایر ارگانهای مشابه میتواند
 در کردستان آنجا که بای «اممیت
 سراسری جمهوری» در میان باشند
 دخالت کند. این دیگر سه روشی
 محتوای واقعی و بنیت شورای ملی
 مقاومت را نشان میدهد: بهانه
 «تمامیت ارضی و وحدت جمهوری» برای
 مداخله در کردستان بر علیه مردم کافی
 نیست و برای «محکم کاری» یعنی برای
 کسب مستقیم هر چه بیشتر جهت سرکوب،
 «حفظ اممیت سراسری» همه وظایف
 ارتش در کردستان افزوده میشود. زیرا
 از آنجا که کردستان ایران بخشی از
 کشور ایران را تشکیل میدهد، طبیعتاً
 همواره حش در کردستان بتاسیح
 و سارتاسهایی سراسری خواهد داشت که
 به استناد آن میتوان «امنیت سراسری»
 جمهوری بنی صدر را در «خطر» اعلام کرد.
 وقتی که شورای ملی مقاومت بدنمایش
 میگوید «ارتش در منطقه حسود مختار
 کردستان سازماندهی دیگر نقاط ایران
 حق دخالت در امور انتظامی داخلی را
 ندارد»، و استود میکند که جلیتی هم
 کرده است. ولی این روال عادی هر
 حکومت سوزواری در دورانیهای هم

مسئولان کارش را به روال سابق ادامه دهد. در حقیقت هدف این طرح کسب اطمینان از نل شدن پنج وسیره های مائیس استبداد مرکزی است و اینکه راههای کافی برای اعمال این دیکتاتورنری سازگذاشته شده باشد.



اکنون و در میان سررسی طرح شورای ملی مقاومت لازم است که نقش و جایگاه اس طرح را بطور مختصر نشان دهیم و معیار دیگر است سوال پاسخ دهیم که چرا و در تحت چه شرایطی و با چه سات و اهدافی، شورای ملی مقاومت چنین طرحی برای خود - مختاری کردستان ارائه کرده است.

ارائه طرح معینی برای خود مختاری کردستان از جانب شورای ملی مقاومت بی شک با تاریخی از رفتار جنبش انقلابی است، اما به بوجه معنای پاسخگویی به نیازهای جنبش انقلابی نیست، ارائه این طرح بیانگر عقب نشینی معینی از جانب شورای ملی مقاومت است، اما فقط یک عقب نشینی ظاهری. شورای ملی مقاومت تا منی توانست از ارائه طرح معینی برای خود مختاری کردستان خودداری کرد و وقتی که دیگر اس را نتوانست ادامه دهد،

انقلابی است. مگر بگواسی مردم کردستان از اس است که مبادا ارتش در امور "انقلابی داخلی" که در حیطه اصزار با دادگستری است، دخالت کند که شورای ملی مقاومت معاوت - مدانه به آنها قول میدهد که در جمهوری اسلامی او جیس چیزی اتفاق نخواهد افتاد؟ آنچه مردم کردستان بحق نسبت به آن حساس نشان میدهد و سر آن پافشاری میکنند، دخالت ارتش بر علیه مردم، سر علیه مطالبات و جنبشهای آنها و بطور سرکوب شده هاست که در طرح شورای ملی مقاومت برای اسس کار تحت عنوان "حفظ تمامت ارضی" و عنوان امافی و جدید "حفظ امنیت سراسری" در چهار اتاق سازگذاشته شده است. در حال حاضر خلق کرد درگیر یک جنبش انقلابی علیه ستم و سرکوب است و میخواهد اطمینان داشته باشد که اسز راهای سرکوب محدود علیه وی بکار نخواهد افتاد. در حالیکه طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان بحای اطمینان دادن به خلق کرد برای جلوگیری از تکرار سرکوب و کشتار - آن همه از روی تعارفات توحالی بلکه ما نمسه مگاسم هاسی که اس امر را حتی الامکان ناممکن سازد - به حکومت مرکزی اطمینان میدهد که

خودمختاری سی محتوا و نرسنی سال
و دم و واشکی را برای مرتب سوده ها و
سرای ماریس گرفتن دستا وردهای وافعی
آنها همان کتند. در اینجا نیز همان
قوا سنی که سر سناست هر سر روی لیسالی
حا کماست. صدق میکند: حمتش انقلابی
سوده ها سر روی سوزنوا لیسالی را از
خواب بیدار میکنند و از خواب سومی -
خبرد. با انقلاب "همراه" میشود و خود
را "دوستدار" انقلاب مینما باندتسا
ستواند آنرا هف کند. عقیم با ردوسه
با سودی نکند.

به با سودی کشاندن انقلاب و حمتش
انقلابی خلق کرد و با مال کردن و بیس
گرفتن دستا وردهای توده های مردم
کردستان هدف اصلی شورای ملی
مقاومت را در ارائه این طرح وسطور
کلی دستگاه و هدف هرگونه سر خورد آنها
را به میاله کردستان تشکیل میدهد.
آنچه ساندن این موضوع اضافه کرد اس
است که شورای ملی مقاومت به فقط
از زاویه مفی حقوق ملی خلق کرد و اتفاقای
ستمگری ملی بمعی احصا این کلمه
بلکه همجیس از زاویه از میان بردن
محتوای دمکراتیک و انقلابی مطالبات
این حمتش و به سبکشدن آن در چهار
جوب فوا سنی و صواظ ارحماعی جمهوری
دمکراتیک اسلامی به ساله سر خورد

مکند. و اس ساله تا مان سوجه خاصی
است. از همان ابتدای انقلاب در ایران،
ویژگیهای اجتماعی و سیاسی کردستان
بگونه ای بود که به مذهب و به لیسالیسم
هیچکدام نتوانستند سطورکا مل زمان
حمتش توده ای را درست بگیرند. و خود
با همان انقلابی طبقه کارگر در کردستان
- گونه له - و نقش رومه افزایش آن در
رهبری این حمتش طی چند سال گذشته.
محتوایی که مالا جدید، انقلابی تنرو
را دیگالشرار هر حمتش ملی دیگر سه آن
بخشیده و تا شراب با ردوسی بر محتوای
این حمتش و شیوه های آن ساقسی
گذاشته است. واضح است که این
موضوع، بهر حال حرشی ارحق توده های
ملت کرد در تعیین سر و شفت خویش
است که نمیتوانند در این مورد انتخاب
کنند و زندگی شان را مطابق اراده خود
با زمان دهد. اما در هر حال اس ساله
باعث میشود که ساله کردستان اسعاد
هدیدی پیدا کرده و ارا همتی دو جیدان
همسرای کارگران و همسرای سوزنوازی
سر خورد را بگذرد.

علاوه، خاموش کردن انقلاب
کردستان سنا به سقظه اتکا بیس سرای
دمکراسی انقلابی در ایران سسرار
اهمیت خاصی برای شورای ملی مقاومت
و هرچنان سوزنوازی دیگر سر خورد را

مگردد و همس جهادگر - بادشاهان
میرود - که مردم مطلع و بیخبر گردند
طرحان بکنند هرگز از نادانان
که "حفظ اصیبت سراسری جمهوری" را نه
کف با کفایت ارتش بسیار رسد .

ندبیهی است که همه اسس سلاطین
بر میخوانند با نام "خود را سب
طرح امپریالیستها کردن" که هر روز
بیشتر دارد به سیاست اصلی شورای
ملی مقاومت تبدیل میشود سی ارتباط
باشد شورای ملی مقاومت میخواهد به
امیرالسلطنها و امیرالدین و بطور رسمی
به آنها اطمینان بدهد که اولاً در
کردستان کاملاً دستفروا نشود
"بزرگترین سروری مقاومت کردستان"
را با خود دارد و تا بیا به می تواند
و میخواهد تا تکیه بر اس نفوذ و اعتبار
به خنثی کردن انقلاب دیکراسی و
طبقه کارگر ببرد اردو آنچه را که رژیم
شاه و خمینی نتوانستند حتی تا تکیه به
فهر روز "حل" کنند، او "فیصله" خواهد
داد .

بالاخره این راهم نباید از نظر دور
داشت که ارائه طرح خود مختاری از جانب
شورای ملی مقاومت در خدمت "حفظ
اسلام" و تا بهتر گفته شود - برای
طلوگیری از گسختگی شورای ملی
مقاومت سر بروده است . سنگمان برپوش

گداشس بر اصلاحات دروسی شورای
ملی مقاومت و نه نسی سبب رسیدن
تا کنسکهای آن، یکی از عللی است که
شورای ملی مقاومت را سبب جسمس
توامقی حوی داده است . آنچه آقای
رحوی در پیام خود در آن نام "سردناری
و اعطاف" در توافق سروری اس طرح
یاد میکنند بسیار نگرشس های شدیدی است
که سراسر مونسله مصالحه برای مدتی
دیگر خوابانیده شده است . صفا آنچه
در اس میان فرسای شده با شورای ملی
مقاومت سلامت باشد . مافع توده های
خلی کرد و مردم کراسی در کردستان
و اسرا اس . اسنهاستند اهداف
شورای ملی مقاومت و طرح کداسی آن .

اما مواضع کنوسی شورای ملی مقاومت
قاعدنا سبب تعجب کسی را که طی چند
سال اخیر در جریان حوادث کردستان
قرار داشته برانگیرد . بر سبب که ادامه
ساستها و مواضع گذشته سر و ههای
متشکله آن در شرایط و وضعیت جدید
است . شعا را اصلی بنی صدر در "اولس
دوره ریاست جمهوری" اش در سبب سال ۵۹
هنگا مینکه تهاجم جدید رژیم به کردستان
پس از یک آتش بس چند ماهه مجدداً آغاز شده
سود . "خلع سلاح" سود بیوتسپای سی صدری
می ناسب دقتنا "خلع سلاح صد
انقلاب و گروههای مسلح در کردستان"

اربا در آورده شوید و در مقابل همسایگان
 سات خلق سلاح سنی صدر سود که نوده -
 های مردم سمدج هنگام حماسه مقاومت
 قهرمانانه ۲۴ روزها شامها میدادند:
 اگر همه کشته شویم، خلق سلاح میخوریم.
 و حالاً سنی صدر میکوشد سیاستی را که در
"جمهوری اسلامی خمینی" نتوانست
 از پیش سرود، در "جمهوری دمکراتیک
 اسلامی" و به اتکای موقعیت کنونی
 در اپوزیسیون حکومت و همدستی حزب
دمکرات متحقی سازد.

مجاهدین سزای منطوق آنها سزای
 هنگامیکه هنوز به موقعیت اپوزیسیون
 "بدر خمینی" زانده نشده بودند،
 خطاب به وی می گفتند:
 "حمرن آب الله! چنانچه میدانید
 سازمان مجاهدین به در کردستان و به
 در هیچ حای دیگر در هیچ درگیری داخلی
 شرکت نداشته و به نسبت راه حل نظامی
 در مقابل اسگوه قضا را از اساس غیر
 عادلانه میداند، بلکه به نقیض سیر
 میداند که هیچ پیمان حد ابدی ای
 سراسر درگیرتها جز تهدید هر چه مستتر
 وحدت و تمامیت ارضی کشور منترتست
 نیست. از این رو موافقت نمائید
 مجاهدین مشول شوند سراسر همان
پیام ۲۶ آنان خودشان نمائند
 کردستان و سایر ملت ها را منطوقه

دهد...

بدیهی است که پس از اعاده جغیون
 عادلانه مردم کردستان و منحصراً شدن
 مرزهای خلقی و ضد خلقی، ما ساز هر گروه ضد
 مردمی و هر کسی که علیه استقلال و تمامیت
کشور نظم و آرامش آن سامان کوچکترین
حدنه ای وارد سازد و اوردن جنگ شویم.
 (نامه مجاهدین به خمینی، نشریه
 "مجاهد ۱۱۳"، ۲۱ اسفندماه ۵۹،
 تاکیدیها از ما ست.)

می نسید که مجاهدین در اسفندماه
 ۵۹ مقاومت مسلحانه خلقی کردار "ار
 اساس غیر عادلانه" می دانستند و
 بگرائیشان از سبب اصطلاح "درگیری"
 های کردستان است بود که "وحدت و
 تمامیت ارضی کشور" را "هر چه مستتر
 تهدید" میکنند و اینکه مردم کردستان
 را احاک و خون میکنند و آزادی و حقوقشان
 را پایمال میکند. ما نشان دادیم که
 آنها امروز هم همسایگان را دادارند.
 مجاهدین آن موقع صراحتاً اعلام میکردند
 که چنانچه مفاد پیام ۲۶ آنان خمینی
 در کردستان اجرا شود، از آن پس دیگر
 "ساز هر گروه و هر کسی که به تمامیت ارضی
 و نظم و آرامش آن سامان" کوچکترین
 حدنه ای وارد سازد و اوردن جنگ
 شود و اسد و مفاد دورمائی است که در
 حال حاضر هم برای خود رسم میکنند.

آزموغ محاهدس سحواسند حمسنی
به کردستان روانه‌شان کندنا در آنجا
خلق وفد خلق ستراشد و مخالفان پیام
۲۶ آبان حمسنی را ضد خلق سنامسد .
یکی را حشئی گسند و دیگری را سکو سسد
وبه این طریق حشش را ارمان سردارید .
حالا نیز همان سیاست را در شرایط جدید
تعقیب می‌کنند و این بار می‌خواهند سه
اتکای حزب دمکرات ، حشش خلق کرد
را متلاشی و آن را تعطیه کنند .

حادارد در اینجا از حزب دمکرات
کردستان سؤال شود که در مقابل چه
امتیازی چنین توافقی بعمل آمده
است ؟ به چه دلیل و تحت چه فشاری به
فقط مطالبات خلق کرد سبب داده شده
بلکه حتی برنامه خود حزب دمکرات
نیز در پیستگاه شورای ملی مقاومت و
جمهوری دمکراتیک اسلامی سه ورق
پاره‌ای تبدیل شده است ؟ و این حزب
در رابطه با امضای این سند چه حواسی
به خلق کرد خواهد داد ، نکته جالب اینکه
وقتی طرح محاهدین خلقی برای
خودمختاری کردستان مدتی قبل از
طرح شورای ملی مقاومت انتشار یافت ،
حزب دمکرات ضمن تأکید مشروط آن اعلام
کرد که اسس طرح هسورگافی سمست و
ساندینتر سرود و اصلاح شود ، ولی در
مدتی کمتر اردو ما ه طرخی سه مرانف

سدرار آن را در کمال میل امضا کرده و
به همگان اعلام سبب ارد که دیگر " سگراسی
های مردم کردستان " ساندیکلی سطرط
شود ! آیا اصلاحات سرور سطر در طرح
شورای ملی مقاومت در سطر گرفته شده
است ؟ خیر . واقعیت این است که
محاهدین سه سمب حزب دمکرات منمابل
شده اند ، بلکه اسس حزب دمکرات و
محاهدین ، هر دو هسند که تحت هدایت
محاهدین سمست سنی سدر کشیده شده اند .
س همه اسسبانی گمان خلق کرد و
رحمکنان کردستان به اسس سطرطه
جدید که ارحاب شورای ملی مقاومت
برای سبب سدر کردن انقلابشان ، برای سبب
گرمس دننا وردها شان و برای رمسه
سازی جنگ داخلی در کردستان طرح
ربری شده و تحت عنوان فرسببده
خودمختاری به مسان کشیده شده‌تن در
سخواهند داد و اس طرح سسوشتی سبب
ار " پیام تاریخی امام خمسنی " سببدا
سخواهد کرد .

عبدا لله مهتدی

۶۲/۹/۱۶

هنگامی که اس مقاله در چاپ بود، نشریه "مجاهد" ۱۷۹ به دسامبر رسید، سراسری که نا هدا رعب رسد! معلوم می شود رور با مع آفای سی صدر نام "اعلام اسلامی در هجرت" در شماره ۶۰ خود طی مقاله ای نام "پیش و پیش از تحریر" (به قلم سی هدرو با نا الهام از او) ماف و مافه نوشته است که:

"سی صدر در ۲۱ تیر ماه ۵۸ در انقلاب اسلامی سرمقاله ای تحت عنوان "خود محضاری، سپاه نوشته" نوشت ... و طرحی بر پایه ماست ارضی کشور و وحدت ملی (و در سطح حاکمیت ملی) برای خود محضاری ارائه کرد. امروزی بعد از ۴ سال و ۴ ماه ... شورای ملی مقابله و طرح مناسبی را بر همان اصول و به اتفاق آراء تصویب میکند."
و ادامه میدهد: "چرا بعد از ۴ سال و آهیمه تحریر نلم و آهیمه سارا و تهمید دروم که روش فکرتا را در حقیقت سی صدر گفت و نوشت. معلوم شد که اوج دارد؟ یا سخ این است که آن طرح صحیح بود ..."

آقای مهدی اسرشم چی نماینده مجاهدین خلق در شورای ملی مقابله و سرطی مقاله ای طولانی در نشریه مجاهد حواب اس ادعا را داده و اعلام کرده که طرح شورای ملی مقابله و سر

خود محضاری کردسان و امعا س طرح گذشته آقای سی صدر سفا و اسب و طرح انشان اصلا طرح نبوده است. آقای اسرشم چی صمی اظهار اطمینانهای سار طولانی را اس که سان احتیانات اشکالی نداد و شورای ملی مقابله و سر را از هم صمی یا شاند، و اس که سر صهای خودی را ساید به دل گرفت و او واقعا به آقای سی صدر و دوسان رور سامه انقلاب اسلامی احترام میگذارد. از آقای روحی مشول شورای ملی مقابله و سر حواسنا رمنشود که قدرت سی بشر حوش را در وحدت بخشی در درون شورای ملی مقابله و سر نگار رسد، اردو "نگار در مصوبات شورای خدای ما کرده به وسله ای برای سوسه حسابهای شخصی و گروهی تبدیل شود" بر اساس وضع ساعت منبود که "... از اس پس راه بر هر گوسه رشد دمکراسیک و شورایی سه منبود و نه هنگام طرحهای بعدی هر کس مصالح فردی و گروهی خود را در با نمر با پذیری و انحصا در هر چه بیشتر در مواضع بمنش می باید و سپی جوجه اعطاف و سردباری نشان نمی دهد و در نصح خطاها و اشتباهات احتمالی گذشته سیر صمی گوشت. و بیرواض است که یک حسن جمعی .. تا سه بدست گرفتس رمام امور ملت ایران است."

سازش تربیت آقای ابریشمچی
دوستان "انقلاب اسلامی در محراب" را
ارباب امگه با گفتن حقیقت با صحت
میخوانند که اراس پس دیگر امثال حزب
دمکرات گردستان "اعطاف و سرداری"
شان بدهند و دیگر "در تصحیح خطاها و
انتباهات احتمالی گذشته بکوشید"
ملاحظه می کند. آقای ابریشمچی
اظهار نگرانی می کند که ادا مه این
روش ممکن است باعث شود که "خدا
با کرده ثورا در شما میت خودیهای یک
گامه پیش دوگامه پس سردار و طرحی
که در شماست اعطاف و سرداری سرانجام
به اعضای کلمه شخصیت ها و اعضای ثورا
رسیده محدودش و اجر رحمت همگی...
باطل شود." بخصوص که "سابعه

احکامات و سرچورد هائی مطرا احکامات
آقای بی صدر و حزب دمکرات به هیچ
کس پوشیده نیست. کاملاً روشن است
که آقای ابریشمچی نگران اینست که
مرح گوئی بی صدر و دوستانش، کار
را به مقاله مثل وبه جاهای نارسک
بکتانند و آنان را ملامت میکنند که هالاکه
همه آرا امضا کرده اند، دیگر چه جای
خودنمائی و شرمیده کردن دیگران است؟!
براستی که لطفی سترار این از
حاج آقای بی صدر و دوستان او را
بسی ندمتور کرد!

عبدالله مهتدی

۶۲/۹/۲۰

کارگران جهان متحد شوید!

از انتشارات حزب کمونیست ایران